

نمایانه:

قلعه ذات الصّور

با اقتباس از: حکایت آن پادشاه و وصی، که بنام سه پسر خویش را
که در این سفر در ممالک من فلان جا چنین قریه بنهید، و فلان جا چنین
نُواب نصب کنید، اما الله الله به فلان قلعه مروید و کس آنجا نرسد،
از کتاب شریف: مثنوی معنوی مولوی.

نویسنده: محمد معین فر

سرشناسه	:	معین فر، محمد ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	قلعه ذات الصّور / نویسنده محمد معین فر
مشخصات نشر	:	مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
مشخصات ظاهری	:	۱۴۸ ص
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۴۲۹-۶۱۵-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی
یادداشت	:	اقتباس ها - نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴
حاشیه افزوده	:	بالای عنوان: نمایشنامه.
ردیف بندی	:	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی
رده بنای دیویی	:	۱۳۹۲ ق ۴۷ ع / PIR ۸۲۲۳
شماره کتاب	:	۸ فا ۲ / ۶۲
	:	۳۱۶۴۳۲۲



نام کتاب قلعه ذات الصّور

نویسنده محمد معین فر (m.moeinfar.ir@gmail.com)

ناشر مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب

تألیف هدی معین فر

صفحه آرای محسن قسوری

طرح جلد محمد زحمتی

نوبت چاپ اول ۱۳۹۲

قطع رقعی

شمارگان ۱۰۰۰

قیمت ۶۵۰۰ تومان

چاپ شهر چاپ خراسان ۷۶۳۴۰۰۰ (۰۵۱۱)

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۹-۶۱۵-۴

مرکز پخش: مشهد، خیابان امام خمینی، جنب اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی

تلفن: (۰۵۱۱) ۲۲۸۳۴۲۲

نماینده: (۰۵۱۱) ۲۲۸۱۴۱۰

دفتر نشر: (۰۵۱۱) ۲۲۳۲۶۷۵

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست

۸	یادداشتی در باره کتاب مثنوی شریف از یک اهل معرفت
۹	اشخاص بازی
۱۱	پردی اول
۲۵	پردی دوم / صحنه اول
۳۵	پردی دوم / صحنه دوم
۴۷	پردی سوم / صحنه اول
۵۵	پردی سوم / صحنه دوم
۶۹	تابلوی پایانی
۷۳	خلاصه داستان
۷۹	متن حکایت در مثنوی شریف
۱۱۹	پی نوشت ها
۱۳۶	کتابنامه
۱۳۷	پیوست
۱۴۳	تصاویر

سرسخن

بی گمان، مثنوی، بزرگترین ره آورد اندیشه بشریست. ره آوردی که هر دو جنبه صورت و معنی را به حد کمال می توان در آن دید، لمس کرد و در گذر از سنگلاخهای زندگی از آن مدد گرفت.

مخالفین این اندیشه متعالی، اگر چه لفظاً با آن به دشمنی برخاسته اند، اما قلباً آن را ستوده اند. مگر میتوان دم از حق زد و با مثنوی مخالف بود؟ یا ادعای رسیدن به کمال را بر اساس آن به مثنوی پشت کرد؟ پشت کردن به مثنوی، رو گرداندن از خورشید است.

مثنوی که بزمی هاست خانه معشوق محبوب است. دفترهای شش گانه این کتاب سترگ، نام و نشان که درها، شهرها و کوی و برزن هائست که روزی آن نازنین پنهان روی پنهان آرا پیدا سپید، یعنی حضرت معشوق از آنها گذشته یا در آنها لحظه ای درنگ کرده است تا جایی که گم کند لطف خویش صید کند، یا چشمی را بجمال حیرت افزای خود، حیران نماید.

مثنوی، عشقنامه عاشقان، کتاب معرفت و عرفان، دفتر شریعت شریعتمداران، داستان نامه دستان سرایان، و آب زلال و گوارای تشنگان است.

باران مثنوی، حتی سنگها را به خاک شدن و گل رویاندن وامدار می کند. با چراغ مستیر مثنوی تا ظلمات هم می توان رفت و به خورشید رسید نه در آستان شد.

ای برادر قصه چون پیمانه است

معنی اندر وی بسان دانه است

دانه معنی بگیرد مرد عقل

نگرد پیمانه را گر گشت نقل